

اسناد سازمان سیا (CIA): کودتای ۲۸ مرداد ۳۲

(۱۴)

به نقل از جلد اول، صفحه ۴۸۴ کتاب «اسناد سخن می گویند». پژوهش و برگردان دکتر احمدعلی رجائی - مهین سروری (رجائی)، چاپ پژمان، ناشر شرکت انتشارات قلم، چاپ اول - ۱۳۸۳

سند شماره ۱۳۸

تلگراف: ۸۸۸.۲۵۵۳/۱۲-۲۶۵۱

از سوی هندرسن سفیر در ایران به وزارت امور خارجه^۱

سری، فوری

تهران، ۲۶ دسامبر ۱۹۵۱، ظهر

(به محض دریافت ملاحظه شود)

..... ۲۳۲۹

۱. در اواخر بعد از ظهر روز ۲۲ دسامبر با شاه به مدت یک ساعت گفت و گو نمودم. به نظر می رسید که درمانده، دلسرد و مایل به قبول جبری سرنوشت بود ما در باره مسائل زیر مذاکره نمودیم:

(الف) پیشرفت در مبادله یادداشتهای مربوط به کمکهای اقتصادی

(ب) مفاد مواد قانون باتل

(پ) جهات کلی سیاست کمکهای ایالات متحده به ایران

(ت) سیاستهای مصدق و امکان اینکه مصدق منطقی تر و خردمندتر بشود یا اینکه نخست وزیر دیگری جانشین وی گردد.

۲. من با شاه در باره مشکلاتی که در انجام مبادله یادداشتهای مربوط به کمکهای اقتصادی و نظامی هیئت مشاوران نظامی مواجه شده بودم، با توجه به دستورات گوناگون وزارت امور خارجه گفت و گو نمودم. همچنین با وی در باره سردرگمی های ناشی از ترکیب مواد قانون باتل و قصد بیان شده از سوی مصدق برای فروش نفت به بلوک شوروی، اگر کشور مزبور مایل به خرید باشد، نیز صحبت کردم.

۳. شاه اظهار کرد که اگر رویدادها چنان دست به دست هم دهند که برای امریکا امکان دادن کمکهای مالی، اقتصادی و نظامی به ایران میسر نباشد، وی امیدوار بود راهی برای توضیح دادن موضوع به مردم ایران بتوان یافت تا واکنش آنان خیلی شدید و تند نباشد. وی نگران

زمانی بود که توده مردم ایران از قطع کمکهای امریکا اطلاع یابند، احتمال می رود باور نمایند که امریکا به منظور رها نمودن ایران در چنگ کمونیست‌ها به بریتانیا پیوسته است و کلیه دوستان جهان غرب ممکنست امید و همچنین تهور مقاومت در قبال فشار کمونیسم را از دست بدهند.

۴. من به شاه گفتم به نظر من اینگونه می رسد ما نبایستی در صورت قطع کمک امریکا در باره اینکه چه باید بکنیم، بیندیشیم بلکه بایستی فکر کنیم برای جلوگیری از قطع آن چه بایستی انجام دهیم. شاه پاسخ داد ترکیب قوانین ایالات متحده و تصمیم آشکار مصدق در خودداری از برداشتن گام‌هایی که ایران را واجد شرایط برخوردار از کمک امریکا می نماید، ممکن است منجر به قطع کمک امریکا شود. وی نمی دانست در این باره چه می توانست بکند. وی به ویژه نگران دانشجویان نظامی ایران که آماده سفر به ایالات متحده می شدند و آنهایی که اینک در امریکا هستند، بود. در هر صورت باور نداشت که مصدق اهمیت چندانی به آنچه برای دانشجویان نظامی و یا اصولاً به آنچه برای نیروهای دفاعی ایران پیش آید، بدهد.

۵. من گفتم عمیقاً نگران مسیری که ایران هم‌اکنون در پیش گرفته می باشم. من برای مصدق بالاترین میزان احترام را به عنوان یک مرد میهن دوست و یک رهبر قائل بودم. اما به نظر من چنین می آمد که در چند ماه گذشته آنچه را ایران توانسته بود انجام دهد به جای دارا بودن جنبه سازندگی ماهیت خراب کننده داشت. شرکت نفت ایران و انگلیس به خارج رانده شده بود و نفوذ بریتانیا در ایران به میزان زیادی کاهش یافته بود و عملاً هیچ اقدامی انجام نگرفته بود تا به هر حال زخمهای بزرگ سیاسی و اقتصادی را که ایران برای به دست گرفتن کنترل منابع نفتی خویش تحمل کرده بود، درمان نماید. منابع درآمد بسیار ضروری برای زندگی اقتصادی و مالی ایران قطع شده و به نظر می رسید هیچ برنامه عملی برای جانشینی منابع مزبور طراحی نشده بود. به نظر می رسید مصدق امیدوار بود مقداری پول و درآمد از فروش نفت به کشورهای بلوک شوروی و یا از راه استقراض از امریکا به دست آورد. هر پولی که ممکن است از این منابع به دست آید تنها می تواند یک جایگزین موقت باشد و مشکلات ایران را حل نمی نماید. گفتم هنوز هم انتظار داشتم تا نویدی در باره یک برنامه سازنده که بتواند نوید استقرار مجدد ثبات اقتصادی و سیاسی در کشور را بدهد، به گوشم برسد.

۶. شاه گفت در باره برکناری مصدق و جانشینی او با نخست وزیر دیگری فکری کرده ولی نتوانسته بود شخص مناسبی که بتواند کار را به عهده بگیرد بیابد. به علاوه چون هیچ گروه متشکلی که به طور مؤثری مخالف مصدق باشد در کشور وجود نداشت، وی نمی دانست جز از راه کودتا چگونه می شد تغییری به وجود آورد. به دنبال یک کودتای موفقیت آمیز بایستی حداقل برای مدت کوتاهی یک رژیم دیکتاتوری بر سر کار آید و وی نمی دانست به چه کسی

می‌توانست برای رهبری چنین رژیمی اعتماد کند. من تصدیق نمودم که موضوع دشوار بود. گفتم به عقیده من هر نخست‌وزیری که جانشین مصدق شود می‌بایستی مردی اهل تصمیم، شجاع، باتوان تشکیلاتی و وفادار به شاه باشد و همچنین به مردم ایران و رفاه آنان صادقانه علاقه‌مند باشد. احتمالاً در اینکه چنین شخصی را در کجا باید بیابند شاه در موقعیت بهتری از من قرار دارند. نمی‌خواستم در درک اظهارات من برای شاه سوء تفاهم پیش بیاید. من پیشنهاد اجرای یک کودتا و یا انجام اقدامی خارج از شرایط قانونی از سوی شاه یا کس دیگری را نمی‌کردم. تنها سعی می‌کردم خاطرنشان نمایم که به نظر من ایران در حال حاضر به سوی نابودی و تباهی پیش می‌رفت و فقط با اقدام خود ایرانیان نه به وسیله آمریکا و یا هر کشور بیگانه دیگری می‌توانست نجات یابد. اگر ایرانیان تنها با یک دید قضا و قدری و ناامیدی به آنچه روی می‌داد بنگرند، ایران قطعاً از دست می‌رفت.

۷. شاه از اظهارنظرهای من تشکر نمود و گفت تنها پیشنهاد وی در حال حاضر این بود که مجدداً با مصدق گفت‌وگو نمایم. و اگر گزارش نتیجه مذاکراتم را به علاء اطلاع دهم ممنون می‌گردید. وی می‌خواست تا آنچه در توان داشت در باره موضوع انجام دهد ولی مطمئن نبود کمک وی تا چه حد می‌توانست مؤثر باشد. او مجدداً با نگرانی اظهارنظر نمود که دادن کمکهای آمریکا به ایران چهار سال دیر شده بود. طی این چهار سال بسیاری از ایرانیان که در سالهای ۱۹۴۵، ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ امید زیادی به غرب بسته بودند مأیوس شده و نفوذ خود را از دست دادند. ایران با احساس اینکه شدیداً منزوی گردیده به تدریج از نظر روانی بیمار شده بود. وی امیدوار بود ایالات متحده در برخوردهای خود با ایران به یاد بیاورد که ایران یک ملت بیمار بود و نمی‌شد از آن انتظار داشت به طور طبیعی رفتار نماید. بنابراین، ایالات متحده بایستی صبر داشته و همه کمک‌های لازم را صورت دهد. در جهان غرب گرایش برای استهزاء ایران هنگامی که به نظر می‌رسید رویه و نگرشی غیرمنطقی و نابخردانه‌ای اتخاذ می‌نموده وجود داشت. وی امیدوار بود ایالات متحده از خود تفاهم و همدلی نشان دهد و تا آنجا که ممکن است استثناء قائل شود و دریافت کمک را برای کشوری که نیاز فراوانی به آن دارد، آسان سازد.

هندرسن